

### نگاه

## چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ مطرح شد

## فیلم‌ها روزنه خوبی برای صحبت با مردم دنیاست

**شرق**: روز گذشته، دوم دی‌ماه، نشست خبری چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ در سازمان فرهنگی- هنری سوره برگزار شد. در ابتدای این جلسه، حمیدرضا منصوری، دبیر این رویداد هنری گفت: «این جشنواره نتایج سال‌ها زحمات دوستان ما در حوزه هنری است و بسیاری از هنرمندانی که این روزها در محیط حرفه‌ای سینما کار می‌کنند، سابقه‌ای در جشنواره فیلم ۱۰۰ داشته‌اند. این جشنواره علاوه بر اینکه عرصه مهمی برای پاکداشتهن در حوزه سینماست، نوع خاص انتقال پیام در فضای مجازی بخش مهمی از خوراک فرهنگی روزانه مردم است و روزنه خوبی برای صحبت با مردم خودمان و مردم جهان است و از این طریق می‌توان بحث‌های فرهنگی مهمی را انتقال داد».

او ادامه داد: «خانم نرگس آبیار و آقای هومن سیدی ازجمله هنرمندانی هستند که آثاری در جشنواره فیلم ۱۰۰ داشتند و هنرمندان مطرح کشور ما هستند. امسال هویت بصری جدیدی برای جشنواره طراحی شده و طی فعالیت چندماهه دوستان من لوگوی جشنواره تغییر کرده است.

جشنواره ۱۰۰ در بخش ملی با همان عنوان «ایران عزیز» برگزار خواهد شد. در این بخش پذیرای فیلم‌سازان ایرانی هستیم. در بخش بین‌الملل جشنواره هنرمندان ایرانی هم می‌توانند حضور داشته باشند و طبیعی است آثاری از کشورهای مختلف خواهیم داشت و رویکرد متفاوتی نسبت به بخش ایران عزیز خواهیم داشت. این دوره جشنواره تفاوت دیگری هم دارد و آن بخش سوم ما با نام «فلسطین آزاد» یا «فراست» است. در این بخش هنرمندان مجاز هستند تا ۳۰۰ تاینه فیلم داشته باشند. مقصود ما در این بخش مختص فلسطین نیست، بلکه هر آن چیزی که در طول تمامی این سال‌ها با مفهوم فلسطین گره خورده است، مثل مبارزه با اشغالگری، مقاومت علیه استعمار، هنر در مقابل نژادپرستی، همبستگی و اتحاد جهانی، نسل‌کشی و… مفاهیمی هستند که در این بخش به آن پرداخته می‌شود.

یوسف جعفریان، رئیس سازمان سینمایی و دبیر شورای سیاست‌گذاری این جشنواره نیز گفت: «دوره سیزدهم دو سال پیش برگزار شد و اتفاقات خوبی را در آن دوره تجربه کردیم. این رسم جشنواره ۱۰۰ را به‌عنوان دوسالانه در این دوره خواهیم داشت و از اعضای شورای سیاست‌گذاری جشنواره سیاست‌گذارم و یکی از محورهای مهم جشنواره موضوع فلسطین است و ایین دوره هم تقویمی در نظر داریم-و اختتامیه کمی دیرتر برگزار می‌شود.» او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «در مضامینی که با توسعه فضای مجازی پر رنگ‌تر شده است، فیلم‌ها صدنانه‌ای هم پررنگ‌تر شده است، فیلم‌هایی که در کوتاه‌ترین زمان پیام مهمی را انتقال می‌دهند.» دبیر این رویداد هنری در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه چرا به فیلم‌های بخش مرتبط با فلسطین زمان بیشتری اختصاص داده شده است، گفت: «آیا ما در جشنواره ۱۰۰ باید متعهد به تایم صدنانه‌ای باشیم یا در دسته‌بندی جهانی اجازه بدیم بالای صد ثانیه هم حضور داشته باشند؟ باید ما به این بود که جامعه مخاطب این جشنواره را گسترده کنیم. ما برای بخش فلسطین آزاد گزینه‌های زیادی داریم و بخش مهمی در جشنواره خواهد بود؛ چراکه برای ما اهمیت دارد در مورد موضوع مهم روز صحبت کنیم و جشنواره باید موضوع فلسطین را جایگاه ویژه‌ای در نظر بگیرد».

### خبر

## بزرگداشتی برای مسعود کیمیایی

## به بهانه «قیصر»

بزرگداشت مسعود کیمیایی هم‌زمان با پنجاه‌وپنجمین سالگرد اولین نمایش عمومی فیلم ماندگار «قیصر» به همت کانون کارگردانان سینمایی ایران برگزار می‌شود. به گزارش خبرنگار ایسنا، این برنامه روز دوشنبه ۱۰ دی‌ماه در فرهنگسرای نیاوران برگزار خواهد شد.

دانش اقباشاوری، دبیر کانون کارگردانان سینمای ایران، درباره دلایل برگزاری این برنامه به ایسنا توضیح داد: در ادامه برنامه‌های بزرگداشت کارگردانان سینمای ایران، در سال ۱۴۰۳ پس از گرامیداشت یاد و خاطره داریوش مهرجویی عزیز و همسر هنرمندش، به همت کانون کارگردانان مقرر شده بود تا برای جناب آقای کیمیایی نیز بزرگداشتی برگزار کنیم. او خاطرنشان کرد: پس از همفکری در هیئت‌مدیره کانون کارگردانان سینمای ایران به این نتیجه رسیدیم از آنجا که اولین نمایش عمومی فیلم ماندگار «قیصر» در تاریخ ۱۰ دی‌ماه ۱۳۴۸ بوده و در واقع ۱۰ دی‌ماه ۱۴۰۳ پنجاه‌وپنجمین سالگرد اولین نمایش عمومی «قیصر» است، از این تقارن مبارک استفاده کنیم و مراسم بزرگداشت این فیلم‌ساز جریان‌ساز را با حضور خود ایشان، همکاران و یاران‌شان، در این روز برگزار کنیم.

مسعود کیمیایی که این روزها آخرین ساخته سینمایی‌اش «خائن‌کشی» روی پرده سینماهاست، با ساخت «بیگانه بیا» وارد عرصه فیلم‌سازی شد و با ساخت «قیصر» روندی از فیلم‌سازی را در پیش گرفت که جرقه‌های امیدوارکننده‌ای را برای آینده‌اش رقم زد. او بعد از ساخت «قیصر» در سال ۱۳۴۸، هر یک با دو سال، یک فیلم ساخت، تا سال ۵۹ که «خط قرمز» را کارگردانی کرد که البته این فیلم هیچ‌گاه به نمایش درنیامد و تا شش سال بعد فیلمی نساخت. او سرانجام در سال ۱۳۶۵ «تغ و ابریشم» را ساخت. بعد از ساخت این فیلم نیز روند فیلم‌سازی‌اش را مانند گذشته هر یک با دو سال با یک فیلم ادامه داد، تا سال ۱۳۷۸ که «اعتراض» را ساخت و بعد از آن تا پنج سال فیلمی نساخت. سرانجام در سال ۱۳۸۳ «سربازهای جمعه» و دو سال بعد فیلم «حکم» و یک سال بعد از نمایش این فیلم، «رئیس» را ساخت که در سال ۸۶ اکران شد. مسعود کیمیایی زمانی در جمع دانشجویان گفته بود: فیلم‌هایم هیچ‌گاه مورد حمایت خاصی نبوده‌اند؛ بنابراین هدایت نیز ننداشدند و در عین اینکه هرکدام نماینده دوران خودشان هستند، هیچ‌وقت به سمت کهنگی تاریخی نرفته‌اند.

بعدها هم «محاكمه در خیابان»، «جرم»، «متروپیل»، «قاتل اهلی» و «خون شد» را ساخت. مسعود کیمیایی چند سال قبل در جشن تولدش گفته بود: «زندهباد! داریوش مهرجویی چهار، پنج سال است بی‌کار است، از ناصر تقوایی باید خبر گرفت و من هم به‌سختی فیلم می‌سازم. تمام این سال‌هایی که گذراندم به‌راحتی طی نشدند. فیلم‌سازی که صدایی داشته باشد و برای کفتن خودش ایایی نداشته باشد زیاد نیست. ما را ترس اذیت می‌کند. از مردم و سرزمینم که مرا پذیرفته‌اند تا گوشه‌ای تلاش کنم و حرف حساب بزنم مشترکم».
مسعود کیمیایی اخیرا هم با نمایشگاه نقاشی‌های خود با عنوان «جسد‌های جاندار، در کالری ثالث میزبان مخاطبان خود بود.

بسیاری از فیلم‌سازانی که در سینمای ایران علاقه‌مند به ساخت فیلم‌های جدی یا اجتماعی هستند، در سال‌های گذشته شرایط مساعدی را تجربه نکرده‌اند. بسیاری از آنها فضای پلغرم‌ها را مناسب‌تر از سینما دیدند و ترجیح دادند موضوعات قابل بحث خود را در قالب سریال عرضه کنند که اتفاقا بسیاری از این ساخته‌ها به سریال‌های پر مخاطبی تبدیل شدند. برخی کنار کشیدند و شرایط را مناسب کارکردن ندیدند- و برخی دیگری به ساخت گونه‌های دیگری تن دادند. در این میان به تعداد فیلم‌های اجتماعی در صف اکران مانده نیز اضافه می‌شود و فیلم «عزیز» یکی از استقبال خوبی می‌کند.

**❗ فیلم «عزیز» مسیری طولانی و سخت را تا اکران طی کرد و شاید فیلم‌هایی از این دست در نمایش پرتعداد کم‌دی‌ها تنفسی است برای علاقه‌مندان سینمای جدی‌تر یا به‌اصطلاح فیلم‌های اجتماعی. کمی از جرابیی ساخت فیلم «عزیز» صحبت کنیم؟ پرداختن به این موضوع از کجا و چطور آغاز شد؟ همان‌طور که اشاره کردید مسیر ساخت فیلم اجتماعی در این چهار، پنج سال اخیر یکی از سخت‌ترین کارها در سینماست. به دلیل ریل‌گذاری غلط و تغییر مسیر سینما توسط مدیران فرهنگی، چرخه سینمای اجتماعی تقریبا کم‌رقم و بی‌رونق شده است. در این سال‌ها تنها سینمای کم‌دی جان گرفته و در مقابل، ساخت فیلم اجتماعی هم با مشکل روبه‌رو شده است. در اصل، ماجرا به عرضه و تقاضا برمی‌گردد. وقتی مسیر فیلم‌ساز از همان ابتدا یعنی در حین مجوز ساخت گرفتن و شرایط اکران تغییر می‌کند، فیلم‌ساز هم از علاقه اصلی‌اش دور می‌شود و ناگزیر در مسیری قرار می‌گیرد که از آن طریق به چرخه اکران برسد. برای مثال در همین سه، چهار سال اخیر تعدادی از فیلم‌سازان خوب اجتماعی ما تقاضای پروانه ساخت دادند و فیلم‌نامه‌های آنها رد شده است. در این شرایط بسیاری از آنها یا بی‌کار شده‌اند یا مجبور شده‌اند مسیر دیگری در فیلم‌سازی طی کنند. برخی هم به دلیل رونق سینمای کم‌دی، این گونه سینمایی را برای ادامه مسیر انتخاب کرده‌اند. حتی به‌طور خیلی جدی در دولت قبل این پیشنهاد از**

سمت مدیران وقت هم مطرح می‌شد که «فیلم‌نامه کم‌دی بنویسید و فیلم کم‌دی بسازید و مجوز بگیرید. چرا خودتان را به دردسر می‌اندازید؟». دقیقا همین جمله‌ها در حین گرفتن پروانه ساخت برای فیلم‌نامه «عزیز» گفته شد و وقتی فیلم‌نامه «عزیز» توسط هر هفت بزرگوار شورای پروانه ساخت رد شد، خیلی راحت دوستان پیشنهاد دادند یک فیلم‌نامه کم‌دی بنویس و کار کن!- به همین راحتی مسیر فیلم‌ساز تغییر می‌کند. فیلم‌سازانی مثل محسن امیرپوسفی، کیانوش عیاری و… خاکستگاهشان سینمای اجتماعی است و مشخص است که مجبور به تغییر مسیر شده‌اند. به نظر من دولت وقت و مدیران سازمان سینمایی و ارشاد به‌راحتی مسیر فیلم‌سازان را تغییر دادند و همه‌چیز را به سمت سینمای کم‌دی هدایت کردند و بعد شروع کردند بایلدن به سینمای کم‌دی و فروش بالای آنها. استدلال آنها هم این بود که بعد از کرونا باید سیاست‌گذاری متفاوتی در پیش گرفت. درصورتی‌که به‌هیچ‌وجه چنین چیزی نیست.

**در همین سه، چهار سال اخیر تعدادی از فیلم‌سازان خوب اجتماعی ما تقاضای پروانه ساخت دادند و فیلم‌نامه‌های آنها رد شده است. در این شرایط بسیاری از آنها با بی‌کاری شده‌اند مجبور شده‌اند مسیر دیگری در فیلم‌سازی طی کنند. برخی هم به دلیل رونق سینمای کم‌دی، این گونه سینمایی را برای ادامه مسیر انتخاب کرده‌اند. حتی به‌طور مجبور شده‌اند مسیر دیگری در فیلم‌سازی طی کنند. برخی هم به دلیل رونق سینمای کم‌دی، این گونه سینمایی را برای ادامه مسیر انتخاب کرده‌اند. حتی به‌طور مجبور شده‌اند مسیر دیگری در فیلم‌سازی طی کنند. برخی هم به دلیل رونق سینمای کم‌دی، این گونه سینمایی را برای ادامه مسیر انتخاب کرده‌اند. حتی به‌طور مجبور شده‌اند مسیر دیگری در فیلم‌سازی طی کنند. برخی هم به دلیل رونق سینمای کم‌دی، این گونه سینمایی را برای ادامه مسیر انتخاب کرده‌اند. حتی به‌طور مجبور شده‌اند مسیر دیگری در فیلم‌سازی طی کنند.**



**گفت‌وگو با مجید توکلی کارگردان فیلم «عزیز»**

# در سال‌های اخیر مسیر بسیاری از فیلم‌سازان تغییر کرد



بهناز شیربانی

فیلم با توکلی هم‌کلام شدیم که در ادامه شما را به خواندن این گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

آنهاست. «عزیز» قصه آشنایی دارد. شاید همین موضوع در ابتدا مخاطب را درگیر می‌کند. قصه‌ای که بسیاری از ما آن را از نزدیک لمس کرده‌ایم یا در جریان هم‌زیستی با بیماران آلزایمری هستیم. این‌بار «عزیز» با قصه‌ای متفاوت از درجه دیگری به این موضوع نگاه کرده است. مجید توکلی پس از ساخت فیلم‌های پر مخاطبی همچون «متولد ۶۵» و «عروسی مردم»، سراغ یک موضوع اجتماعی دیگر رفته است که به بهانه اکران این فیلم با توکلی هم‌کلام شدیم که در ادامه شما را به خواندن این گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

ساخت فیلم دارد و طبیعتا این گویش هم برای مردم آشناست و احساس کردم این تلخی با زیبایی آن منطقه می‌تواند بار عاشقانه فیلم را حفظ کند. اما به‌نظم نکته قابل توجه است. قرار نیست این فیلم‌ها درگیر مسائل اجتماعی باشند. ما از آن زدند که در آن لحظه اتفاق می‌افتد. ما از آن زدیم که در آن لحظه اتفاق می‌افتد. ما از آن زدیم که در آن لحظه اتفاق می‌افتد. ما از آن زدیم که در آن لحظه اتفاق می‌افتد.

ساخت فیلم دارد و طبیعتا این گویش هم برای مردم آشناست و احساس کردم این تلخی با زیبایی آن منطقه می‌تواند بار عاشقانه فیلم را حفظ کند. اما به‌نظم نکته قابل توجه است. قرار نیست این فیلم‌ها درگیر مسائل اجتماعی باشند. ما از آن زدند که در آن لحظه اتفاق می‌افتد. ما از آن زدیم که در آن لحظه اتفاق می‌افتد. ما از آن زدیم که در آن لحظه اتفاق می‌افتد. ما از آن زدیم که در آن لحظه اتفاق می‌افتد.

ساخت فیلم دارد و طبیعتا این گویش هم برای مردم آشناست و احساس کردم این تلخی با زیبایی آن منطقه می‌تواند بار عاشقانه فیلم را حفظ کند. اما به‌نظم نکته قابل توجه است. قرار نیست این فیلم‌ها درگیر مسائل اجتماعی باشند. ما از آن زدند که در آن لحظه اتفاق می‌افتد. ما از آن زدیم که در آن لحظه اتفاق می‌افتد. ما از آن زدیم که در آن لحظه اتفاق می‌افتد. ما از آن زدیم که در آن لحظه اتفاق می‌افتد.

**❗ مدتی قبل در صفحه شخصی از فضای کنونی سینمای ایران کله‌کریدید و نوشتید که در فضای امروزی سینمای ما، جایی برای فیلم‌هایی شبیه «عزیز» نیست. فکری می‌کنید می‌توان به آینده و باز شدن فضا برای فیلم‌های اجتماعی خوش بین بود؟**

به نظر مهم‌ترین اتفاقی که نیاز است در سینمای ایران تجربه کنیم، حذف شورای پروانه ساخت است. همین حذف شورای پروانه ساخت می‌تواند اتفاقات خوبی برای سینمای ایران رقم بزند. به هر حال همه متوجه شده‌اند که شورای پروانه ساخت کارگری ندارد، مخصوصا امروز که سینماگران و فیلم‌سازان با یک دوربین یا موبایل به راحتی می‌توانند فیلم بسازند. تنها کارکرد شورای پروانه ساخت جلوگیری از ساخت فیلم‌های اجتماعی است. البته ترکیب اعضای شورای پروانه ساخت مهم است و طبیعتا در دولت جدید ترکیب شورای پروانه ساخت بهتر شده است، ولی ما الان در مورد ترکیب این شورا حرف نمی‌زنیم. به نظر من و بسیاری از کارشناسان و سینماگران این شورا باید حذف شود و فیلم‌ساز برای ساخت اثرش از کسی اجازه نگیرد. اساسا هیچ هنرمندی نباید برای خلق اثر هنری‌اش از کسی اجازه بگیرد. مثل اینکه به نقاش بگوییم قبل از اینکه نقاشی بکشد باید اجازه بگیرد یا به یک آهنگ‌ساز بگوییم قبل از اینکه آهنگ بسازد باید اجازه بگیرد یا باید جلوی صدور پروانه ساخت گرفته شود. ختما در ابتدا ترکش‌هایی خواهد داشت، اما ما باید دورانی را بگذرانیم که با این فضا مانوس شویم و سینما یک پوست‌اندازی بعد از حذف شورای پروانه ساخت خواهد داشت که به نظر خود آن دوران را باید با آرامش سپری کرد ولی بعد به‌نظم اتفاق درخشانی خواهد افتاد. وقتی فیلم‌سازان و تهیه‌کنندگان تعامل بهتری داشته باشند، سینما مسیر بهتری را طی خواهد کرد و می‌توان فضای امیدوارکننده‌ای را برای سینمای ایران پیش‌بینی کرد.

**❗ شرایط اکران «عزیز» راضی هستید؟**

بدون هیچ قضاوتی خواهمش می‌کنم سانس‌های سینما و سالن‌هایی را که به «عزیز» داده شده ببیند. تنها به فیلم من، بلکه فیلم‌های اجتماعی دیگر، اساسا فیلم‌هایی غیر کم‌دی، طبیعی است وقتی در انبوهی از سانس‌های سینما، یک سانس به «عزیز» داده می‌شود و باقی سانس‌ها به فیلم‌های کم‌دی اختصاص داده می‌شود که مخاطب در هر ساعتی می‌تواند به تماشای آنها بنشیند، احتمالش خیلی کم است که فیلم من یا هر فیلم اجتماعی دیگر فروش درستی داشته باشد. در حال حاضر غیر از فیلم من، «برف آخِر» و «علت مرگ نامعلوم» که فیلم‌های بسیار خوبی هستند، اکران شده‌اند که شرایطی مشابه فیلم من دارند. طبیعتا است که این جنس فیلم‌ها فروش نمی‌کنند و بعد برچسب نفروش روی آنها می‌خورد و نتیجه می‌گیریم مردم سینمای کم‌دی را بیشتر دوست دارند.

### دریچه

**«هفتاد سی»؛ جاه‌طلبی های اجتماعی که در سطح باقی می ماند**

**احمد افروز، منتقد سینما:**
فیلم «هفتاد سی»، نخستین تجربه کارگردانی بهرام افشاری، تلاش می‌کند در ژانر کم‌دی، تصویری از شکاف‌های طبقاتی و آرزوهای طبقه کارگر ارائه دهد. داستان درباره زندگی سه خانواده محروم است که در یک کاراز مشترک زندگی می‌کنند و با برنده‌شدن جایزه‌های بزرگ، مسیر زندگی‌شان دستخوش تغییر می‌شود. بااین‌حال، فیلم به‌جای پرداختن عمیق به مسائل اجتماعی، در لایه‌های سطحی کم‌دی گیر می‌کند و پتانسیل موضوع خود را هدر می‌دهد.

یکی از اصلی‌ترین ایرادات فیلم، ضعف ساختاری در فیلم‌نامه است. ایده اولیه که می‌توانست بستری برای پرداخت چندانیه و انتقادی باشد، در طول فیلم به شکلی سطحی و تکراری روایت می‌شود.

شخصیت‌پردازی‌ها ناقص‌اند؛ بیشتر کاراکترها به تیپ‌های کلیشه‌ای تبدیل شده‌اند که نه‌تنها عمق ندارند، بلکه در پیشبرد داستان نیز نقشی مؤثر ایفا نمی‌کنند که در مواردی حذف آنها از فیلم به‌راحتی ممکن است. دیالوگ‌ها عمدتا به شوخی‌های دم‌دستی محدود می‌شوند و از پرداخت دیالوگ‌های هدفمند و هوشمندانه بی‌بهره‌اند.

در لایه کم‌دی، فیلم به‌جای ایجاد موقعیت‌های خلاقانه، به کلیشه‌های رایج در سینمای کم‌دی ایران تکیه کرده است. شوخی‌هایی که گاه از فضای مجازی الهام گرفته و بارها تکرار می‌شوند، تأثیری سطحی بر مخاطب می‌گذارند و توانایی ایجاد خنده‌های ماندگار را ندارند. این مسئله، فیلم را برای مخاطبانی که به دنبال طنز نوآورانه هستند نامیدکننده می‌کند. هرچند تلاش فیلم برای پرهیز از شوخی‌های جنسی، که در اغلب آثار کم‌دی سال‌های اخیر مرسوم شده است، قابل تقدیر است و باعث شده «هفتاد سی» به یک کم‌دی خانوادگی تبدیل شود.

از نظر فنی، طراحی صحنه و لباس شاید یکی از معدود نقاط قوت فیلم باشد. بازنمایی واقع‌گرایانه از فضای زندگی قشر کم‌بضاعت در گاراژ، در لحظاتی، حس همدلی ایجاد می‌کند. بااین‌حال، استفاده بیش‌ازحد از لوکیشن‌های محدود تکراری باعث می‌شود فیلم از نظر بصری یکنواخت به نظر برسد. تدوین نیز در برخی لحظات، بی‌نظم و ناهماهنگ است و ریتم داستان را مختل می‌کند.

بازنگران، به‌ویژه بهرام افشاری و هوتن شکبیا، تلاش می‌کنند اثری بیشتری به فیلم تزریق کنند، اما فیلم‌نامه ضعیف و شخصیت‌های کم‌جان، فرصت لازم برای بروز استعداد‌های آنها را از بین می‌برد. لهجه‌های منطقه‌ای و تکیه‌کلام‌ها که می‌توانستند ابزاری برای تقویت روایت باشند، به تکرار و کلیشه بدل شده‌اند.

«هفتاد سی» جاه‌طلبی‌هایی برای ارائه یک کم‌دی اجتماعی و انتقادی دارد. اما فقدان انسجام در روایت، ضعف در شخصیت‌پردازی و تکیه بر شوخی‌های کلیشه‌ای، آن را به اثری سطحی تبدیل کرده است. این فیلم شاید برای مخاطبانی که به دنبال سرگرمی ساده هستند قابل قبول باشد، اما قطعا انتظارات مخاطبان جدی‌تر را برآورده نمی‌کند.

در پایان می‌توان به دیالوگ مهم این فیلم که توسط یعقوب با بازی زیبای جناب سیاوش طهمورث گفته می‌شود، اشاره کرد: «پول کنده برا آدمی‌که یه پاش لب کوره خوشبختی نیست، دهن‌کچی روزگاره…».

